



عبدالاحمد فیض

## مبارزه علیه قاچاق انسان یا نفیض قوانین بین المللی

درین اواخر کشورهای عضو اتحادیه اروپا تصمیم قاطع شانرا در مبارزه علیه ورود به اصطلاح مهاجران غیرقانونی اعلام داشتند که عمدتاً بوسیله قاچاقبران انسان ، سواحل لیبی را ذریعه ای قایقها ترک و با عبور از مسیر خروشان و اما نهایت پرمخاطره دریای مدیترانه ، خویشرا به اروپا میرسانند. این تصمیم درست زمانی در دستور کار اتحادیه قرار میگیرد که روندهجوم بی سابقه پناهندگان از کشورهای لیبیا ، سوریه ، عراق و غیره ابعاد وسیع و فزاینده را به سوی مرزهای اروپا کسب نموده است . وزیران خارجه اتحادیه اروپا که بمنظور بحث پیرامون بحران پناهندگان و دستیابی به راه حل ها و میکانیسمهای عملی مبارزه علیه قاچاق انسان و جلوگیری از هجوم سیل اسای پناهجویان و اوارگانی از کشورهای فوق ، در لوکزامبورک گرد آمده بودند، سرانجام نیات وعزم شانرا در جلوگیری از ورود پناهندگان توسط باندهای قاچاق اعلام و طرحی را در زمینه ، که توسل بزور و استعمال سلاح بخشی از آنست ، مورد تصویب قرار دادند.

اتحادیه اروپا درین جلسه اعلام داشتند ، که در طی یکسال ونیم گذشته در حدود یک میلیون ودو صد هزار پناه گزینان از خاورمیانه وشمال افریقا بصورت غیر قانونی وارد مرزهای اروپا شده که هزینه قاچاق انها ذریعه باندهای قاچاق انسان به (۱۶) میلیارد یورو بالغ میگردد.

مبتنی بر اعلامیه منتشره از سوی اتحادیه اروپا ، استفاده از ابزار زور واستعمال سلاح علیه قاچاقبران به این منظور اتخاذ گردیده است که هشتاد درصد این پناهجویان متعلق به کشورهای است که فقط بعد از ترک ساحل لیبی ، وارد مسیر پرمخاطره در دریای مدیترانه به هدف رسیدن به اروپا گردیده واین امر موجب تلفات سنگین انسانی در بحیره مدیترانه گردیده است.

از نگاه من اراده اتحادیه اروپا معطوف بر مبارزه مسلحانه بخاطر نابودی باندهای قاچاق انسان ، چشم پوشی اشکار کشورهای عضو از بحران عظیم سیاسی ، اجتماعی و امنیتی وواقعیتهای موجود در کشورهای است که در آتش جنگهای داخلی وجنایات گروه های بنیادگرمیسوزد، صدها هزار انسان بیدفاع ملکی تاکنون از قربانیان این نبردهای وحشتناک داخلی بوده و میلیونها انسان دیگر مجبور گردیدند ویا هستند تازادگاه شانرا به خاطر نجات جان شان به قصد کشورهای ترک نمایند که خودرا مروجین دموکراسی ومدافعان راستین حقوق بشر می خوانند.

طرح اروپا مبنی بر ایجاد موانع با کاربرد زور واستعمال سلاح از ورود پناهندگان به اروپا با اصل مسوولیت دولتها در جلوگیری از قاچاق انسان که بوسیله باندهای تباهکار صورت میگردد در تناقض قرار داشته وتلاش این کشورها در تداخل دوواژه یعنی پناهندگی وقاچاق انسان که از دید حقوقی مفاهیم غیر مترادف ومتناقض را بیان میدارد، هرگز منجر به کاهش حساسیتهای افکار عمومی جهان علیه اروپا ومانع از محکومیت بین المللی این کشورها بمثابه ناقضان حقوق پناهندگان که رعایت بلا انحراف ان ازواجیب تاخیر ناپذیر دولتهای متعاهد دانسته می شود، نخواهد گردید . که اینک به بررسی وتبیین این دومفاهیم در پرتونورمها و هنجارهای حقوق بین المللی پرداخته تاباشد مشروعیت ویا عدم مشروعیت طرح اروپا در ایجاد موانع از ورود پناهندگان به اروپا را برجسته سازیم.

الف : قاچاق انسان که مهاجرت غیر قانونی و یا نا متعارف نیز خوانده میشود ، از خطرناکترین و بدنامترین جرایم ضد بشری دارای محتوی فراملی است که در چهارچوب جنایات سازمان یافته مورد مطالعه قرار میگیرد.

انگیزه ارتکاب این جرم که بوسیله باندهای مافیایی تباهکار صورت میگیرد ، فقط کسب منفعت مادی و رسیدن به ثروت از مجرای فروش و یا تجارت انسان تشکیل میدهد. عاملان این جنایت از روشها ابزارهای گوناگون و متنوع مانند وعده ای رسیدن به سرزمینهای دلخواه و فردای بهتر به قربانیان ، اقدامات اغواکننده و کاذبانه و حتی اعمال فشار و تضيیقات روانی بالای قربانی جنایت ، بخاطر حصول اهداف شان استفاده برده و متعاقباً زنان و اطفال را بانقتلال از کشور متبوعشان به کشور دیگر ، به مراکز فحشا بخاطر بردگی جنسی و فروش رسانیده و یا انها را به استخدام به کارهای شاقه ، قطع اعضای بدن و فروش ان به مراکز درمانی مجبور مینماید.

اینکه چرا قربانیان یک چنین جنایت نهایت خطرناک ، اکثرآ برضایت خویش و یا به سادهگی حاضر به پذیرش خواستههای باندهای تبا هکار مافیایی میشوند ؟ دلایل متعدد میتواند وجود داشته باشد که از جمله میتوان از وجود مناسبات غیر عادلانه اجتماعی ، فقر و تهی دستی ، وجود قوانین و رسوم ارتجاعی ، تبعیض جنسی و تهدیدات فزیک و روانی علیه قشراناث و اطفال در خانواده ها و اجتماعی نامبرد که قربانیان بدان پیوند دارند.

از منظر تاریخی این جرم موازی به پناهندگی روند روبه توسعه را در سراسر جهان طی و اکنون به بحث برانگیزترین و بزرگترین پروبلم جنایی سده حاضر در محراق توجه نهادهای ملی و بین المللی مدافع حقوق بشر قرار دارد.

نخستین بار سازمان ملل متحد بتاريخ (۱۱) می سال (۱۹۴۹) میلادی میثاق ممنوعیت قاچاق زنان را که به هدف بردگی جنسی مورد معامله قرار میگیرند ، مورد تصویب قرارداد و سپس مجمع عمومی ملل متحد در (۲۱) مارچ (۱۹۵۰) کانوانسیون مبارزه علیه قاچاق انسان را و در (۲۱) می (۱۹۸۵) پروتکول الحاقی انرا مورد تصویب قرارداد که مظهر روشن اراده جهانی در مبارزه علیه این پدیده ننگین یعنی قاچاق انسان

وباندهای مافیایی بحساب میاید. میثاقهای جهانی فوق ، مبارزه ، تبادل اطلاعات ، تشریک مساعی در جلوگیری و مجازات عاملان این جنایت که جرم بین المللی خوانده میشود از مسوولیت‌های اجتناب ناپذیر دول دانسته و درپرتوان دولتهای حق دارند در مبارزه برضد باندهای قاچاق انسان همه میکانیزمهای مشروع و ابزارهای مورد نیاز را در امتداد مرزهای ملی شان بکار گیرند .

بربنیاد وضاحت‌های فوق ، ماهیت و کرکتر حقوقی قاچاق انسان ، نحوه ارتکاب ، انگیزه و هدف جرمی نزد عاملان این جنایت و سرنوشت غمانگیز متضررین ان بوضوح بازتاب این حقیقت است که پدیده پناهندگی متعارف علی الرغم ارود پناهندگان بدون مدارک و پروسیجرهای رایج و قانونی در قلمرو بیگانه ، جرم تلقی نگردیده و پناهندگان بعد از وصول به مکانهای بهتر و یا سرزمینهای دلخواه ، در معرض معاملات جنایی سازمان یافته قرار نمی گیرند ، که یکی از بارزترین ویژگی‌های است ، که پدیده پناهندگی را از قاچاق انسان متمایز میسازد.

ب : پناهندگی بمثابه یک پدیده تاریخی مستلزم راهکارهای است که همزمان با حضور آنها درکشور یا اجتماع جدید ، میکانیزم‌های معین حقوقی وارد صحنه میگردد که میثاق جهانی (۲۸) جولای سال (۱۹۵۱) ژینو در برابر دولتها قرارداد شده است. مسوده کانوانسیون حمایت از حقوق پناهندگان در سال (۱۹۴۹) میلادی در چنان برهه حساس تاریخی در دستور کار کمیته ویژه پناهندگان و افراد فاقد تابعیت در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد قرار گرفت که میلیونها انسان در مقیاس جهانی در نتیجه جنگ ویرا نگر دوم جهانی زادگاه شانرا ترک و مشکل بی جاه شدگان به بزرگترین فاجعه بشری قرن انجامیده بود ، میثاق فوق سرانجام بمثابه ارزشمند ترین سند حقوقی بین المللی در (۲۸) جولای سال (۱۹۵۱) در داخل (۴۶) ماده مورد تصویب مجمع عمومی ملل متحد قرار گرفت .

بتاسی از حکم ماده اول کانوانسیون ، پناهنده به افراد اطلاق میگردد که بدلائل نژادی ، مذهبی ، ملیت ، اعتقادات سیاسی و عضویت در گروه‌های سیاسی و غیره زاگاه خود را ترک و به سرزمین دیگر پناه میبرد.

فقره اول ماده (۳۳) کانوانسیون چنین حاکمیت : (( هیچ یک از دولتهای متعهد به هیچ نحو پناهنده را به سرزمین که امکان دارد بعثت نژادی ، مذهبی ، باورهای سیاسی ، عضویت در سازمانهای ویژه و یا بدلائل دیگر ، زندگی یا آزادی او در معرض خطر واقع گردد ، تبعید نکرده و یا باز نخواهند گردانید .))

فلهذا بادر نظر داشت تعریف وپراگراف ماده (۳۳) میثاق جهانی (۱۹۵۱) ، دولتها در اتحادیه اروپا حق ندارند تا مانع ورود پناهندگانی گردد که از مسیر مدیترانه ذریعه ابتدای ترین قایق ها وارد مرز اروپا گردیده وبخاطر نجات جان شان از تعقیب ، دستگیری ، شکنجه وتعذیب ویا تبعیض نژادی ، مذهبی ویا جنسی که هم بوسیله رژیم های سیاسی حاکم وهم گروههای مسلح بنیادگر، در کشورهای نظیر لیبیا ، سوریه عراق ، یمن وغیره علیه اهالی بیدفاع ملکی اعمال میگردد ، تقاضای پناهنده نمایند.

هکذا تعریف جامع پناهنده در کانوانسیون فوق ، ماهیت وکرکتر حقوقی این پدیده ، بوضوح مانع ازان خواهد بود تا طرح اروپای مبرزه علیه پناهندگان خاورمیانه وشمال افریقا به بهانه جلوگیری از قاچاق انسان عملی نه گردد.

ماده سوم کانوانسیون به مسوولیت اروپا در برخوردش با پناهندگان افزوده وهمه دولتها را مکلف برعایت بلا انحراف از مفاد کانوانسیون ، عاری از تبعیض مینماید ، همچنان هرگونه اقدام وعملکردهای که مانع ورود پناهندگان در ابعاد و بصوب کشورهای دیگر گردد وبخصوص عملکردهای که ابزار زور واستعمال سلاح را تجویز مینماید با ارزشهای در تضاد قرار میگیرد که در ماده (۳۱) میثاق فوق الذکر و پروتوکول الحاقی ان مصوب سال (۱۹۶۷) میلادی وجاهت یافته است ، زیرا اقدامات فوق به مفهوم مجازات پناهندگان خارج از پروسیدور محاکماتی دانسته شده و ماده (۳۱) کانوانسیون ژینومجازات پناهندگان را بدلائل ورود وحضور غیرقانونی ناقض حقوق بشری پناهندگان تعریف مینماید.

همچنان ماده (۳۵) سند جهانی فوق دولتهای متعهد را ملزم به همکاری بدون قیدوشرط با سازمان کمیسیون ریای عالی ملل متحد مینماید که مسوولیت نظارت از تطبیق ورعایت مفاد وارزشهای مندرج در کانوانسیون حمایت از پناهندگان را بعهدده دارد.

ما ده (۱۶) میثاق جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر (۱۹۴۸) بحیث عالیترین وبا اعتبار ترین سند حقوقی بین المللی ، دولتها را مکلف به پذیرش درخواست پناهندگی ، متقاضیانی میسازد ، که کشور متبوع شانرا بعلت تعقیب ، ترس از دستگیری ، شکنجه ، تبعیض قومی ، مذهبی ، جنسی وروابط سیاسی ترک گفته وخواهان پناهندگی درکشور دوم میگردد .

شایان یاددهانی میدانم که توسل به ابزارزور وکاربرد تسلیحات در ابهای بین المللی که اهداف معینی را نشانه میگردد ، مستلزم مشورت با شورای امنیت ملل متحد وتجویزان نهاد است ، درغیر ان هراقدامی که با اصول صلحجویانه و بشردوستانه درتضاد قرارداداشته وبا منطق زور توام گردد ، در مغایرت با اهداف اساسی وارمانی ملل متحد قرارمیگیرد ، لذا اتحادیه اروپا مکلف دانسته میشود تا از طرح خویش در جلوگیری از ورود پناهندگان ، توقیف ، ضبط ویا تخریب وسایل که در انتقال مهاجران مورد استفاده قرار میگردد ، موافقت شورا را کسب نمایند .

بایست متذکرشد که طرح اروپای مبارزه علیه قاچاق انسان که همانا ایجاد موانع درجلوگیری ازحضوروارودپناهندگان دانسته می شود ، مورد اعتراض ونگرانی جدی نهادهای مدافع حقوق بشروسازمانهای ملی وبین المللی حمایت ازپناهندگان نیز قرار گرفته است .

بانکی مون دیبرکل سازمان ملل متحد نگرانی خودرا ازتخریب قایقهای حامل پناهندگان (شامل درطرح ) درابهای مدیترانه ابراز داشته وافزوده است که این نوع برخورد به استثنای صدمات قابل ملاحظه به پناهندگان ، پیامد مثبتی دربر نخواهد داشت .

گونتربورگهارت ، مقام دیگربین المللی وریس سازمان کمک به پناهندگان ، اتحادیه اروپا را به اجرای یک طرح خطرناک نظامی متهم نموده وبیان داشته است که اقدام ازین دست فقط جان پناهندگان وافراد عادی را بخطر مواجه نموده وبا اصول وهنجارهای جهانشمول همخوانی ندارد .

بنابراین طرح هوشمندانه اروپا درمبارزه علیه تهاجم پناهندگان از شمال افریقا وشرقمیانه به صوب اروپا که طراحان آن ، مبارزه علیه باندهای قاچاق میخوانند ، با اصول ومعیارهای جهانی حمایت از حقوق انسانی پناهندگان واعلامیه جهانی حقوق بشر مطابقت نداشته وبوضوح میتوان اذعان داشت که تعمیم چنین

سیاستی ، نه تنها مانعی در برابر ورود پناهندگان نخواهد بود ، بلکه به گسترش ابعاد فزاینده و تراژیدی انسانی در کشورهای خواهند انجامید ، که به عرصه رقابت هژمونی قدرتهای جهانی و منطقوی در خاورمیانه مبدل گردیده است . لذا بحران کنونی پناهندگان در کشورهای شرق میانه که اساساً ریشه در منازعات ، تقابل منافع قدرتهای مطرح و مخاصمات تاریخی خاور میانه دارد ، درست زمانی راه حل منطقی و عادلانه آن فراهم خواهد شد ، تا قدرتهای موثر جهانی و ذیدخل در قضایای جاری در شرق میانه ، بویژه اروپا ، در هماهنگی نزدیک با سازمان ملل متحد ، نهادها و نیروهای فعال و موثر سیاسی داخلی کشورهای معروض به بحران موجود ، به ایجاد طرح جامع حل قضایای جاری شرق میانه موافقت نموده ، کریدور مذاکرات سازنده را مبنی بر ترک مخاصمات میان طرفهای دخیل در بحران مفتوح و در رستای تطبیق آن ، همکاریهای سازنده ، صادقانه و عملی را روی دست گیرند ، در غیر اینصورت ، بحران پناهندگی های نامحدود نه صرفاً کاهش نخواهد یافت ، بلکه روند صعودی فاجعه بار و غیر قابل کنترل را خواهند پیمود .

یادداشت ضروری : لازم به یادآوری دانسته میشود ، که اکثریاد در گفتمانهای عادی و یومیه انانی را که کشورهای شانرا بتاسی از فکتورهای مختلف ترک گفته و به سرزمین دیگر پناه میگردند ، بنام مهاجر یاد میکنند ، در حالیکه با در نظر داشت علل وانگیزه که منجر به ترک زاگاہ شخص میگردد ، چنین افراد در وضعیت مشابه حقوقی نبوده و میتوان به پناهنده ، مهاجرین کار ، مهاجر محیط زیستی و اقتصادی ردیف نمود که مستلزم بحث جداگانه بوده و ازینرو در نیشبته فوق از ذکر واژه مهاجر اجتناب گردیده است .

[Abd.faiz@hotmail.dk](mailto:Abd.faiz@hotmail.dk)

<http://hoqooq.eu/index.htm>